

یادی از مرحوم حاج غلامرضا گلکار یان گرداننده هیئت «شاهزاده قاسم بن الحسن^(ع)» در بالاخیابان

پهلوان میان دار

لیلا کوچک زاده



میان دار خوش نام هیئت، شاهزاده قاسم بن الحسن، در بالاخیابان، پهلوان غلامرضا گلکار یان، در شت اندام و سبیدموی و بهر سم پهلوانان گذشته،کت و شلوار پوش، دارنده بازو بند پهلوانی کشور. هم به هیئت داری شهره وهم به کشتی گیری و از واقفان حسینیّه وزائر سرای خراسانی هادر کر بلا.

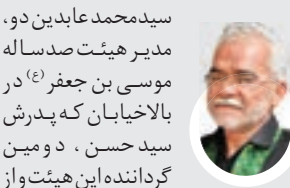
نزدیک به صدسال پیش در بالاخیابان ودر کوچه یزدی آباد (توحید یک)، یکی از بزرگ ترین وپر طمطراق ترین هیئت های مشهد را به راه می اندازد ودر همه سال و عمر خود، در حال عرض ارادت به ائمه اطهار و دستگیری از مردم باقی می ماند. در خاطر قدیمی های بالاخیابان، عظمت حرکت دسته جمعی هیئتش از میدان شهید ا به سمت حرم مطهر در روز سوم عاشورا همچنان باقی مانده است.

ما در گفت وگوبا حاج محمد زبّان و سید مهدی علیایی، از نوحه خوانان قدیمی مشهد، سید محمد عابدین دو، مدیر هیئت موسی بن جعفر^(ع)، ورضا قاسمیان، از اعضای خانواده حاجی گلکار یان، بخش های مختلف زندگی این پهلوان نامی مشهدی را کاویدیم. گرچه بیش از این هامی توان در باره او پژوهش کرد و نوشت.

قهرمان کشتی ایران

یافتن اطلاعات کافی وحتی عکس از حاج غلامرضا گلکار یان (معروف به حاجی گلکار) با وجود فعالیت های خیر خواهانه و فعالیت های ورزشی بی شمارش در مشهد ساده نبود، با اینکه احتمالا نزدیک به ۸۰سال پیش، پدر کشتی باستانی خراسان نام داشته است. در هر حال با کمک مجید زبّان، صاحب لبنیات فروشی قدیمی خیابان توحید، توانستیم با رضا قاسمیان، داماد مرحوم حاج احمد گلکار یان (فرزند ارشد حاج غلامرضا گلکار یان)، ارتباط بگیریم واز این طریق به آلبوم عکس خانوادگی این پهلوان مشهدی و اطلاعات بیشتری از زندگی اش دست پیدا کنیم. نوشته های زیر، شنیده های آقای قاسمیان از مرحوم حاج احمد گلکار است. حاج احمد همچون پدر، باستانی کار بوده است و تا چندین سال بنا بر منشی وروش حاج غلامرضا، مراسم دهه اول محرم را برگزار می کند و چراغی که پدرش فروزان نگه داشته بود، روشن نگه می دارد.

شبیه خوانی حاج گلکار و باشگاهش



دوستان حاجی گلکار بوده است، می گوید: آن مرحوم بین هیئتی های مشهد بسیار سرشناس بود. خانه اش هم در همان حوالی یزدی آباد، در کوچه ای به نام «محمد قصاب» بود. مرد تنومند خوش سیمایی با موهای سفید بود که به رسم پهلوانان قدیم، پیراهن سفید با کت وشلوار قهوه ای با مشکی می پوشید. به هیئت ما هم فراوان رفت و آمد داشت. ماتوچید ۴ بودیم و آن هاتوچید یک، که البته امروز با تخریب های میدان شهدا اثری از توحید یک نیست.

او ادامه می دهد: پدرم تعریف می کرد در باشگاه آرش با حاجی گلکار کشتی می گرفته است. این باشگاه متعلق به حاجی گلکار و در کوچه حمام ارگ (روبه روی اداره دارایی) بود، حاجی بعدها

باشگاهش را به میدان شهدا، کنار پاساژ آیانی (هم اکنون اثری از این بنا وجود ندارد) و شرکت برق منتقل کرد. در واقع طبقه پایینی ساختمانی را که ساخت، به باشگاه تبدیل کرد و اینجا به باشگاه گل کار معروف شد.

امامدیر مسجد موسی بن جعفر^(ع) خاطره ای دیگر هم از پدرش در باره منش و روحیه حاجی گلکار تعریف می کند: حاجی گلکار بعد از سفر حج خود برای پدرم تعریف کرده بود که در مکه و در شرایط خفکان آنجا خراسانی ها را دور هم جمع کرده و در خانه کعبه سینه زده بودند.

عابدین دومی گوید: حاجی گلکار سالی یک بار هیئتش را به صورت دسته جمعی به حرم می برد، روز سوم عاشورا، خیلی هم تجملات داشتند و مجهز بودند. همه وقایع عاشورا را به صورت شبیه خوانی انجام می دادند. یدک (تژئین اسب با پارچه قیمتی و پر) و علم داشتند. در طول مسیر، شبیه خوانی جعفر جنی (جعفر جنی به امام حسین^(ع) گفته بود اجازه بدهد بالشکر چنینان خود، یزیدیان را از بین

حاج غلامرضا گلکار یان متولد ۱۲۸۲ خورشیدی در یزد بود. در نوجوانی به همراه پدر و برادرانش از یزد به مشهد آمد، اما پدر در سفر و در درگیری با اشرار و راهزنان و در دفاع از کاروان، از شدت زخم هاقوت کرد.

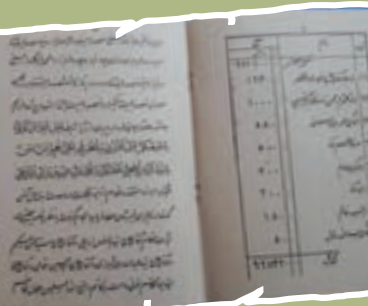
غلامرضا و برادرانش در مشهد به شغل رنگرزی مشغول می شوند اما در باره اینکه چه زمانی، کشتی پهلوانی و باستانی را شروع می کند، اطلاعاتی در دست نیست. فقط در کتابی در باره پهلوانان یزد، نامش در زمره پهلوانان این شهر قید شده است. اما مرحوم کریم محمدیان، پدر کشتی خراسان، در خاطراتش عنوان می کند که کشتی را زیر نظر پهلوان گلکار بزرگ آموخته است. حاج غلامرضا خیر بود و دستگیر مردم و آن قدر سرشناس که حرفش در دوائر دولتی، حکومتی و نظامی در رفع مشکلات مردم درخیزدار داشت. بسیار مبادی اخلاق و آداب و سفره دار، او در چهل و شش سالگی قهرمان کشتی ایران شد. در حالی که شش فرزند داشت. فیزیک بدنی ایده آلی داشت. در بریده روزنامه ای در باره او که همراه با عکسی منتشر شده، زیر عکس نوشته

شده است: «آیا می شناسید؟ این تصویر ماسیست یا هرکول نیست. او یکی از ورزشکاران قدیمی سرزمین ماست که در سن چهل و شش سالگی به مقام قهرمانی ایران رسیده است و...» حاج غلامرضا در واقعه کشف حجاب مسجد گوهرشاد در سال ۱۳۱۴ هم حضور داشته و برای فرار به مردم کمک کرده است و پس از این ماجرا به سمت عراق متواری می شود. اما پس از بازگشت به ایران، تا سال ها به خانواده مقتولان آن واقعه کمک مالی می کند. سال ها بعد که دوباره راهی عراق می شود، در این شهر با کمک خیران دیگر، زمین حسینیّه خراسانی ها را خریداری و وقف کرد و در ردیف اولین مؤسسان حسینیّه خراسانی ها قرار گرفت. این حسینیّه از نزدیک ترین زمین ها به بین الحرمین است که هم اکنون در ۱۲ طبقه در حال ساخت و هر طبقه آن به نام یکی از ائمه معصوم^(ع) است. حاجی گلکار سال ۱۳۵۴ خورشیدی و در هفتاد و سالگی بر اثر سرطان، چهره در نقاب خاک کشید و در صحن آزادی حرم مطهر رضوی دفن شد.



بنابر این اگر هم زمان می رسیدند، برای ورود به بازار با هم بحثشان می شد. مدیر هیئت موسی بن جعفر^(ع) می گوید: آقای گلکار از بالاخیابان هیئت شاهزاده قاسم را راه می انداخت. عباس قصاب هم رئیس هیئت «پیروان دین نبوی» از پایین خیابان بود. او هم روز سوم عاشورا و با همان قدر طمطراق می آمد. این دو هیئت رقابت زیادی باهم داشتند، طوری که وقتی به سه راهی حمام شاه می رسیدند، معمولا برای ورود به بازار با هم به اختلاف می خوردند.

که زودتر می رسید، از عرض خیابان می گذشت و وارد بازار بزرگ می شد و از صحن کهنه (صحن انقلاب فعلی) وارد حرم می شدند. عرض بازار هم حدود ۷ تا ۸ متر بود و دسته جات برای حرکت در بازار باید علم را در اصطلاح تیغ می کردند (کج می کردند). اما نکته جالب این بود که تلاقی هیئت ها در سه راه حمام شاه معمولا باعث اختلاف بین هیئت ها می شد، چون هر کدام از هیئت ها که دیرتر می رسید، باید دوساعت منتظر می شد تا نوبت حرکتش برسد.



سینه زن بی نظیری بود

سید مهدی علیایی، دیگر نوحه خوان قدیمی مشهد و از شاگردان مرحوم آذر، نیز خاطراتی از حاجی گلکار در ذهن دارد. او می گوید: حاج غلامرضا گلکار سینه زن بسیار بی نظیری بود. کشتی گیر پایتخت بود و بازو بند پهلوانی گرفته و طبیعی بود که با آن پهنای شانه و قد بلند و رشید، آن قدر حرفه ای سینه بزند.

این نوحه خوان قدیمی مشهد تعریف می کند: حاج غلامرضا چند بار همراه با نوحه خوانی من سینه زده بود. با شور بسیاری سینه می زد و طبق عادتی که داشت، همان طور که تند تند سینه می زد، همراه با پایین آوردن دستانش بلند می گفت: «همینه.» این تکیه کلامش شده بود. خداوند رحمتش کند.



یادی از حج سال ۱۳۶۶ خورشیدی و شهیدان خراسانی آن

روزی که مکه، کر بلا بود



هما سعادت مند

انگار درست گفته اند که نماز عشق را دور کعت است که وضوی آن راست نیاید الا به خون،، تصویر این شیوه دلدادگی رامی توان در کر بلاهای بی شمار تاریخ، بسیار دید. از نینوای سال ۶۱ هجری قمری بگیریم تا واقعه منا، در سال ۱۳۹۴ خورشیدی. حج سال ۱۳۶۶ خورشیدی را هم که تاریخ تقویمی آن را برای ۱۱ مرداد نوشته اند، باید در فهرست این رویداد ها جای داد، حتی که در تاریخ، حج خونین مکه، لقب گرفته است.

● آغاز یک خون ناتمام

مرداد سال ۱۳۶۶، کوچه های مشهد: بوی اسپند در بعضی محله ها پیچیده است. آن ها که جلو اسمشان برای حج واجب علامت خورده است، از شادی سر از پانمی شناسند. بعضی ها برای خدا حافظی به دیدار اقوام می روند، عده ای دنبال عکس شهیدی برای تبرک جگله شان می گردند و تعدادی لباس احرامشان را با وسواس میان بقچه گلاب خورده می بندند اما همه شان هر بار که هوا پیمایی از آسمان مشهد می گذرد، سر بالا می برند و با حسرت لحظه سفرشان را ثانیه شماری می کنند تا انتظار کی به سر آید و وصال دوست موافق افتد.

● در مسلخ عاشقی میان خون غلثیدند

مرداد سال ۱۳۶۶، مکه: گرچه تیغ آفتاب این سرزمین تیز است، زیارت خانه خدا، آتش انتظار و بی قراری را در دل حجاج سرد کرده است و آنان را با دیدار محبوب، دلگرم، این یعنی قرار نیست چیزی میان عاشق و معشوق حائل شود، آن چنان که اه از نهاد برآور و داغ بر دل نبشاند. حجاج به رسم هر ساله می روند تا در تظاهراتی آرام باشعار، مرگ بر آمریکا و، مرگ بر اسرائیل، از مشرکان و ظالمان جهان اعلام برائت جویند و بگویند که در داخواهی از مظلومان، ثابت قدم ایستاده اند اما دشمنه و دشنام ناروایان، قامتشان را خم می کنند تا مثل دسته گلی پر پر شده بر خاک تف خورده مکه بیفتند و زیر پوئین های ناجوانمردان لگد شوند.

به روایت تاریخ: وقتی مکه به دست مسلمانان فتح شد، مشرکان پیمان عدم تعرض به حریم مسلمانان را که پیش تر بار رسول خدا بسته بودند، شکستند. پس از این واقعه بود که سوره برائت نازل شد و حضرت علی^(ع) به دستور پیامبر^(ص) این آیات را در مراسم حج سال نهم هجری برای جمعیت حاضر قرائت کرد. اعلام برائت از مشرکان بعد از این، با شدت و ضعف هایی ادامه دار شد. آن چنان که به شکل یک سنت درآمد. هدف از این حرکت هم در واقع آگاهی مسلمانان از وقایع و مشکلات رخ داده در جهان اسلام و هم فکری برای رفع آن ها بوده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، امام خمینی^(ره) به استناد این سیره، طی پیامی اعلام می کند که جهان اسلام در موقعیت حساس و خطرناکی قرار گرفته است و از حجاج بیت...! الحرام می خواهد که در مراسم برائت از مشرکان، شرکت و مسائل و مشکلات جهان اسلام را بازگو کنند. این درخواست امام سبب احیای دوباره این سنت می شود و مسلمانان از آن پس، این مهم را با شکوه هر چه تمام تر برگزار می کنند. مراسم تا سال ۱۳۶۶ بدن هیچ گونه درگیری باز دو خوردی در آرمش تمام می شود و پس از سردادن شعار هایی علیه آمریکا و اسرائیل و قرائت بیانه به پایان می گرفت اما در این سال، همه چیز بوی خون به خود می گیرد. در واقع قدرت گرفتن جمهوری اسلامی در منطقه و به ثمر رسیدن صدای حق خواهی آن، لرزه در ارکان پادشاهی سعودی ها انداخته و آنان را از آینده پیمنا ک کرده بود، به همین دلیل در برنامه ای از پیش تعیین شده، دست به کشتار حجاج ایرانی زدند تا مگر از قبل این صحنه سازی، ایرانیان را اخلا لگر و آشوب طلب معرفی کنند و دست هم پیمانان ظالم خود را محکم تر بفشارند.

به شهادت شاهدان عینی: برنامه راهپیمایی ساعت ۱۶:۳۰ شروع می شود. زائران ایرانی و خارجی با پالا کارد هایی که شعار های ضد آمریکایی و ضد اسرائیلی داشته است، به سمت محل معین حرکت می کنند. بعد از رسیدن راهپیمایان به محل مدنظر، ابتدا پیام امام خمینی^(ره) به کنگره حج خوانده شده، سپس سخنرانی نماینده ایشان آغاز می شود. کمتر از دو ساعت بعد با پایان سخنرانی، زائران به آرامی به سوی سه راهی شعب ابوطالب حرکت می کنند اما پلیس عربستان بی مقدمه به سوی حجاج حمله می کند و درگیری به این صورت در ساعت ۱۸:۴۰ عصر آغاز می شود و بعد از آن هم از ساعت ۲۱ تا ۲۳ شب حجاج در محاصره به سر می برند. باتوم، سنگ، چوب و گلوله، تنها بخشی از سلاح هایی است که پلیس عربستان در این عملیات برای حمله به زائران بی گناه به کار می برد. گرچه بعدا ادعا می کنند که تنها باب جوش و چوب سعی کرده است حجاج را متفرق کند. این ادعا پس از انتشار عکس ها و فیلم های حادثه، بی اعتبار می شود. روز بعد، تعداد شهدای ایرانی در بیانه رسمی وزارت کشور عربستان ۲۷۵ شهید و ۱۴۹ زخمی و تعداد شهدای ایرانی طبق اعلام رسمی ایران ۳۲۵ نفر شامل ۲۰۳ شهید زن و ۱۲۲ شهید مرد اعلام می شود.

● خراسانی های شهید شده در کشتار حج ۶۶

نرجس انج چیان، صادق ابراهیم زاده، صاحب جان احمد نژاد، محمد اصغری، معصومه اعظم زاده، پری اقبالی فخر آبادی، ربابه اکبر زاده رضایی، سکینه امامی میبدی، زهرا بسکابادی، محمد بهنامی فر، صدیقه قصابی خلیل آباد، شهر بانو قویدل، برات علی کاخکی طرقی، رقیه کاظم زاده دربان، زهرا کته، فاطمه کفاشی فرامد، برات علی کالای، محمد مهدی متدین طوسی، محمد محمد باغبان، خدیجه محمدنیا، علی اکبر معافیان طرقدری، محمد علی مهدوی پاک، عصمت حسینی، هاجر حائری عراقی، زهرا حسینی، سید حسین حسینی جهانگیر، ربابه دهقان نیری، ابوالقاسم راستگو، عشرت رحیمیان، رضا رضادوست، محمد صادق رفیعی خیر آباد، کنیز زنگویی، نصرت ژبانی زرگرانی، فاطمه سلمانی طوسی، حافظه سلیمان شاهی، صاحب جان شاملی طرقی، سرور شجاعی بوری آبادی، فیضی...! شیخی، کنیز رضا صفدرنیا، ابوالقاسم عباس زاده صنوبری و خاتون عبیری.